# چگونگی شروع به کار مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه تهران

آیت الله سید باقر خسروشاهی / محفل

## در ابتدا مختصری پیرامون نحوه شکل‌گیری مرکز مدیریت تهران و اهمیت وجود این تشکیلات برای حوزه‌ها و طلاب توضیح دهید.

بعد از پیروزی انقلاب یکی از نهادهایی که احساس شد باید نظم بیشتری بگیرد و از حالت بی‌برنامگی سابق خارج شود سازمان حوزه‌های علمیه قم بود. در زمان امام با معرفی مراجع و حضور خود ایشان، مجمعی تشکیل شد که مدیریت حوزه علمیه قم را بدست گرفتند و این روند به صورت تکاملی ادامه پیدا کرد تا به تشکیل شورای حوزه‌های علمیه انجامید. شورای عالی با تعیین رهبر معظم انقلاب اسلامی و تایید مراجع تشکیل شد و چون حوزه علمیه فقط در چارچوب شهر قم نمی‌تواند باقی بماند، قهراً در دیگرشهرها و استان‌ها هم می‌بایست سیاست‌های کلی شورای عالی پیاده شود و اگر قرار باشد این سیاست‌های کلی در تمام استان‌ها و مراکز حوزوی کشور پیاده شود نیاز است در استان‌ها، مرکزی مدیریت و اجرای سیاست‌های شورای عالی را به عهده بگیرد .در تهران هم مرکز مدیریت با این مبنای کلی بوجود آمد که اول به عنوان نمایندگی بود و سپس مدیریت خود استان محقق شد. البته مدیر را همان شورای عالی تعیین می‌کند. تهران و دیگر استان‌ها علاوه بر مدیریت، شورایی هم دارند متشکل از افرادی است که جزء علمای آن استان هستند، با تجربه‌های حوزه علمیه هستند، و می‌توانند تاثیرگذار در کلیت حوزه‌ها باشند .پس از تشکیل شورای عالی اعضای آن شورا یک نفر را به عنوان مدیر معرفی و انتخاب می‌کنند و با تایید شورای عالی آن مدیر در آنجا سیاست‌های کلی که شورای عالی پیشنهاد می‌کند را به اجرا در می‌آورد. این اقدام شورای عالی، حدود یک یا دو سال پیش شروع شد و در استان تهران با توجه به مشکلات داخلی که وجود داشت و هم چنین مسائلی مانند چگونگی انتخاب شورا و مدیر آن بالاخره سال گذشته این امر انجام شد.

## شورای عالی در واقع نوعی اتاق فکر است؟

به یک معنا شبیه هیئت دولت می‌ماند برای کارهای اجرایی مملکت که آن سیاست‌های کلی و مبانی کلی که به نفع روحانیت و به نفع حوزه‌های علمیه هست را اجرا می‌کند و می‌تواند در سطح بالا با کلیه مراکز در تماس باشد. آنها سیاست‌های کلی را برنامه‌ریزی می‌کنند و به ما ابلاغ می‌کنند و ما آنها را با فرهنگ خود استان بومی و اجرا می‌کنیم.

## در مورد بومی‌سازی فرمودید، با توجه به مشکلات و شرایط خاص و طلاب شهر و استان تهران چه برنامه‌ریزی و تمهیداتی برای این مهم در نظر گرفته‌اید؟

به عنوان مثال شورای عالی برای تهذیب طلبه‌ها، سیاستی پیشنهاد می‌کند. این سیاست، سیاست کلی است. در شهرهای کوچکی مثل قم پیاده شدن این برنامه‌ها مشکل نیست ولی در سطح استان‌های بزرگ - مخصوصاً در تهران- محیط به گونه‌ای است که جنبه تهذیب اهمیت بیشتری پیدا می‌کند، نظارت بیشتری می‌طلبد و لذا ما در مدارس

تهران تلاش می‌کنیم که معاونت تهذیب حتماً وجود داشته باشد و نظارت بیشتری نسبت به جنبه‌های اخلاقی طلبه‌ها داشته باشد .این نسبت به استان‌ها فرق می‌کند. در تهران مشکلات کاری مانند این امور خیلی زیاد است و فقط جنبه تهذیبی نیست و چون محیط باز است و تاثیر گذاری فرهنگ‌های مختلف در تهران بیشتر است ما باید نظارت و دقت بیشتری داشته باشیم البته از همه تجربه‌ها و نظرات استفاده خواهیم نمود .من خودم حدود ۵۲ سال است که مسئول مدرسه هستم و دیگر دوستانمان که در شورای عالی تهران هستند غالبا تجربه کاری دارند. بنابراین به لطف خدا ان‌شاءالله در پیاده کردن سیاست‌های کلی شورای عالی موفق خواهیم بود و امیدوارم که در ۲-۳ سال آینده نتایج کارهایمان را بگیریم.

## آیا فهرستی از مشکلات طلبه‌ها احصا شده است که با توجه به آن مسئولان بتوانند برنامه‌ریزی نمایند؟

تا حدودی این کار صورت گرفته است. یکی از مشکلات ما در مدارس مخصوصاً در پایه‌های پائین، با توجه به سیاست کلی حوزه‌های علمیه، این بود که طلبه‌ها آزاد بودند. مثلاً یک نفر از استان چهارمحال بختیاری می‌آمد تهران ثبت نام می‌کرد و در مدرسه‌ای درس می‌خواند. ثبت نام هم آزاد است یعنی کسی که دوران راهنمایی را تمام کرده می‌تواند ثبت نام کند .یک محصل راهنمایی حدود ۴۱ سال دارد. این هنوز عواطف خانوادگی را احساس می‌کند. یعنی باید تحت تکفل پدر و مادر باشد. او ناگهان می‌آید در فضای شهر تهران و می‌خواهد زندگی کند. ما مشکلات زیادی داشتیم. در داخل خود مدرسه و در سطح شهر و خارج از مدرسه .یکی از دغدغه‌های مهم ما این است که چه نوع برخوردی با این بچه‌ها و این محصلین بکنیم که آن احساسات خانوادگی را که در شهر خودشان داشتند، حال آن خلاء در وجود اینها بوجود نیاید؟ چون خلاء که بوجود می‌آید او به عواطف کاذبی پناه می‌برد که در استان‌ها وجود دارد و این ممکن است باعث فساد اخلاقی شود. مانند این مشکلات بسیار است .نمونه دیگر جنبه‌های ورزشی است. چرا که بچه‌ها عادت کردند که در مدارس ورزش کنند و هنگامی که وارد حوزه می‌شوند مشاهده می‌کنند در حوزه‌ها ورزش جنبه رسمی ندارد! پس ما باید به ورزش در مدرسه رسمیت بدهیم. البته ورزشی که به سنخ طلبگی بخورد نه هر ورزشی. قهراً ما باید سالن‌های ورزشی مخصوص طلاب داشته باشیم. سالن‌های ورزشی که مربیان خاصی هم داشته باشد .الحمدالله در بعضی از مدارس چنین چیزی هست مثل ورزشهای رزمی که خود استاد هم از روحانیون است. ما آرام آرام باید گام برداریم به این سو که آن خصوصیات جوانی را که هر جوانی احتیاج دارد و در مدارس و دانشگاه‌ها مقداری اشباع می‌شود در چارچوب حوزه‌های علمیه هم بتواند با توجه به ویژگی‌های مخصوص حوزه آن را بوجود بیاورد و اشباع کند. خوب است استخرهای خاصی داشته باشیم چون آنها قبلا در محیط‌های خودشان آزاد بودند و ما در حد امکان باید بتوانیم فضایی فراهم کنیم که این جا هم مقداری این آزادی و ورزش را در چارچوب فرهنگ روحانیت و فرهنگ اسلامی تامین کنیم .یکی دیگر از مشکلات ما در تهران، ماهواره‌ها و یا سایت‌های مختلف هستند .نمی‌توانیم به طلبه بگوییم که رایانه نداشته باش! در هر حجره‌ای یک رایانه وجود دارد که می‌توانند به سایت‌ها متصل شوند و کل سایت‌هایی که در سطح دنیا هست را استفاده کنند. جوان است و گاهی ممکن است تحت تاثیر قرار بگیرند .نمی‌شود از جوان ۴۱-۵۱ ساله انتظار داشته باشیم که از نظر دینی مانند شیخ مفید یا مثل شیخ انصاری باشد. باید یک راه چاره‌ای برای آنها داشته باشیم .ما باید فرهنگ اسلامی و فرهنگ روحانیت را در آنها بیشتر زنده کنیم. درس‌های اخلاق، اساتید بزرگ اخلاق، ما در تهران انشاالله تصمیم گرفتیم اگر بتوانیم پیاده کنیم هر ماه یک درس اخلاقی عمومی در سطح تهران با شرکت اساتید بزرگ مثل آیت‌الله جوادی داشته باشیم .این کارها را انجام می‌دهیم تا بلکه بتوانیم آن جوانی را که از اول وارد حوزه می‌شود و انگیزه اسلامی زیادتری نسبت به سایر جوانان دارد و انگیزه خدمت دارد، را در مجرای خاص اسلامی هدایت کنیم و به او کمک کنیم که هم از ترقیات روز استفاده کنند و هم از مفاسد اینها جلوگیری بکنیم مخصوصاً این که دنیای غرب می‌خواهد ما را فاسد کند و جوان‌های ما را از بین ببرد.

## این مشکلاتی که فرمودید توسط کارگروه‌های تخصصی صورت گرفته است یا تجربیات شخصی بزرگان شورای عالیست؟

ما در معاونت‌هایمان معاون تهذیب داریم. به تناسب معاونت در شورای تهران ما داریم کار گروه تشکیل می‌دهیم. یعنی کار گروه تهذیب، کارگروه آموزش،که نحوه آموزش چگونه باشد؟ آیا ما باید در آموزش تابع جریانات سنتی

قبلی باشیم یا می‌توانیم روش‌های آموزشی قبلی که امتحان پس داده و موثر است را در مدرسه‌مان پیاده کنیم .در آینده یک گروه آموزش تشکیل می‌دهیم که با تناسب معاونت‌ها، یک شورای سیاست‌گذاری بومی، کل این معاونت‌ها را به عهده بگیرد.

**در مورد افق پیش رو و برنامه‌هایی که دارید- البته در صحبت‌هایتان تا حدودی فرمودید- اما یک مقدار منسجم‌تر بیان کنید؟**

نسبت به آینده با توجه به تجربیاتی که داریم و با توجه به امکاناتی که شورای عالی برای ما فراهم می‌کند امیدواریم. یکی از مشکلات ما در مدارس اساتید هستند. ما اساتید حوزه علمیه که شغلشان استادی باشد خیلی کم داریم .در دانشگاه‌ها حقوق مکفی به اساتید می‌دهند، زندگی طرف را تامین می‌کنند، این تمام زندگی‌اش استادی است. حتی در سطح دکترا هفته‌ای چهار ساعت تدریس دارد .این خیلی برای این فرد مغتنم است و می‌تواند مطالعه وتفحص می‌کند، کل دریافتی خودش را می‌آید در هفته‌ای چهار ساعت به دانشجو القا می‌کند. لذا سطح درس بالا می‌رود. اما در حوزه‌ها این طور نیست. در بعضی از حوزه‌ها شغل درجه دوم یا حتی سوم آقایان، تدریس است. چرا؟ چون اینها باید زندگی‌شان را تامین کنند .امام جماعت هست، منبر می‌رود، تدریس هم می‌کند و یا یکی دیگر دانشگاه هم تدریس می‌کند و رتبه چهارم برای تدریس می‌آید حوزه‌های علمیه. یکی از کارهای مهمی که شورای عالی تدارک دیده و تقریبا موثر هم بوده است کمک مالی به اساتید است. البته خود مدارس که حقوقی می‌دهند که بسیار ناچیز است و شورای عالی می‌آید و آن را تکمیل می‌کند تا اساتید ما با فراغ بال بیشتری به درس بچسبند و مطالعه کنند و بتوانند طلاب را تربیت کنند .در کل استان‌های ایران دولت کمک‌های فرهنگی دارد حتی در انجمن‌های موسیقی -چون که موسیقی را جزو علم و فرهنگ حساب می‌کنند- کمک‌های مالی می‌کند. اما دولت‌های ما چقدر به جنبه‌های فرهنگی حوزه‌های علمیه کمک می‌کرده‌اند؟. ما نمی‌خواهیم بگوییم که حوزه تابع دولت باشد، نه، حداقل اینکه ما یک مرکز و انجمن فرهنگی هستیم. در قم آمار گرفتند اکثریت مستاجرهایی که در زیر زمین‌ها زندگی می‌کنند طلبه‌ها هستند .طلبه های ما که ازدواج می کنند احتیاج به مسکن دارند کدام نهادی است که به اینها جواب بدهد که مسکن را از کجا بیاورند؟ اکثر اینها قدرت مالی ندارند .ما می‌بینیم شهرداری، وزارت خانه‌ها و... خودشان برای اعضا و محصلینشان -مثلاً برای ازدواج دانشجو ها وام می‌دهند، کمک می کنند – ولی در طلبه‌ها چنین چیزی نیست .الحمد الله شورای عالی شروع کرده و به تبع آن شورای استان‌ها و مرکزهای مدیریت! شروع کردیم به حل این نکته‌هایی که بسیار در زندگی طلبه‌ها موثر است. البته ما اول کارمان است. انشاءالله دولت هم کمک خواهد کرد. امیدواریم مراجع معظم هم کمک کنند. بعلاوه همه اینها باکمک مقام معظم رهبری که در راس برنامه‌های ما هست امید داریم بتوانیم این نواقص را برطرف کنیم و برای ساختن حوزه‌های علمیه ایده آل و برای حوزه‌های علمیه‌ای که مقام معظم رهبری ترسیم کردند بتوانیم قدمی برداریم.

**یکی از دلایلی که اساتید سراغ منبر و اشتغالاتی از این قبیل می‌روند شاید به دلیل کمبود این موارد در تهران باشد. آیا برنامه‌ای برای حضور فعال و تاثیر گذار طلاب در عرصه‌های سیاسی و فرهنگی تهران در نظر دارید؟**

الان دیگر زمان آن گذشته که روحانی‌ای باشد که بحث سیاسی نکند الان عمامه به سر باید یک شم سیاسی داشته باشد. نمی‌توان طلبه یا روحانی را از بحث‌های سیاسی جدا کرد. لذا در اغلب مدارس که مراجعه بکنید میزی مخصوص روزنامه‌ها هست. خود طلبه‌ها در بعضی مدارس تلویزیون گذاشته‌اند برای اینکه اخبار را گوش کنند. اینها مفروغ عنه است. احتیاج به سیاست‌گذاری خاصی نیست. چیزی است که جزو فرهنگ ماست.

**تا این حد بله اما آیا حوزه‌ها و طلاب روی بافت فرهنگی- سیاسی شهر تاثیر می‌گذارند ؟**

من حوزه‌های علمیه را تشبیه می‌کنم به درمانگاه‌هایی که در مناطق مختلف شهر وجود دارد. الان وزارت بهداشت در هر منطقه‌ای که یک جمعیتی باشد یک درمانگاه تاسیس می‌کند چون ممکن است مردم مریض شوند و باید مراجعه کنند .حوزه‌های علمیه سنتی همین طور بود در کل شهرها و در منطقه‌های مختلف پخش بود .این امر اکنون نیز باید در سیاست‌های کلی ما وجود داشته باشد. لذا به شورای عالی پیشنهاد شد در کل مناطقی که جمعیتی وجود دارد حوزه تاسیس کنیم. حوزه‌های علمیه در هر منطقه تاثیر مستقیمی در دین مردم دارد. مدارس امام جماعت می‌خواهند، می‌توانند امامت جماعت آنجا را تامین بکنند. مساجدی هست که حوزه می‌توانند امام جماعت آنجا را تامین کنند و بسیاری از سوالات و مشکلات دینی و اسلامی را می‌توانند پاسخ‌گو باشند و به عهده بگیرند .لذا سیاست کلی ما این است که در کل مناطق ما بتوانیم حوزه علمیه تاسیس کنیم و تا حدودی هم شروع کردیم. الان در شهرک غرب چندین مدرسه دارند شروع بکار می‌کنند. در چیذر آقای صدیقی مدرسه امام خمینی را شروع کرده است. در جنوب شهر ما مدارسی را داریم .آقای جوادی آملی در خیابان پاسداران مدرسه بزرگی خواهند ساخت. البته اینها زمان می‌خواهد تا محقق شود. امیدوارم زمانی برسد که کل مناطق شهرهای بزرگ، حوزه علمیه داشته باشد. با وجود اینکه بعد از انقلاب این همه تبلیغات کردند علیه روحانیت و اسلام، استقبال جوانها برای ورود به حوزه‌ها و طلبه شدن کم نشده است و حتی من در صحبت‌های خیلی از مسئولین شنیدم که ما دیگر ظرفیت نداریم و باید ظرفیت ها را بالا ببریم. این علامت استقبال جوان از روحانیت است. استقبال خیلی زیاد است. حال بستگی به ما دارد چقدر بتوانیم کار کنیم و چقدر بتوانیم امکانات داشته باشیم.

**یکی از اموری که سبب می‌شود حوزه در مسائل فرهنگی و سیاسی حضور مثمر ثمر داشته باشد این است که با یکسری از سازمان‌ها و نهادها مثل امور مساجد، اوقاف، شهرداری حتی خود دولت که در پایتخت است تعامل داشته باشد. این تعامل به وجود آمده است؟**

تعاملاتی را که در چهارچوب وظایف ما باشد داریم .البته بیشترتعاملات مردمی داریم. الان اکثریت هزینه‌های مدارس بوسیله مردم تامین می شود.

**در بخش فرهنگی حتی سازمان تبلیغات که مخصوص روحانیت تشکیل شده است بعضی از کارهای فرهنگی‌شان در اختیار روحانیون نیست...**

آن ضعف مسئولین اینهاست. این بر می‌گردد به تشخیص روسای آنها. مثلاً دفتر تبلیغات قم این طور نیست. این اشکال را ندارد. من ۴ سال مدیر گروه دانشگاه تهران و حدود۲۰ سال مسئول گزینش اساتید معارف در دانشگاه تهران بودم. ۵۸ استاد لازم داشتیم ما در دانشگاه تهران که دانشکده‌های مختلفی دارد. حدود ۵۷ استاد را من از طلبه‌ها استفاده کرده بودم. تلاش می‌کردیم که عمامه سر بیاوریم. من می‌گفتم که یک عمامه در دانشگاه مثل پرچم می‌ماند. این مانده به تشخیص مسئولین.

**می‌خواهم به صراحت بپرسم که قدرت مرکز مدیریت چقدر است؟ آیا آن قدر است که بر برخی از این سازمانها فایق آید؟ مانند حوزه علمیه قم که به همه سازمان‌هایی که در قم هست توفق دارد. حتی به استان داری آیا در تهران اینطور هست یا نه؟**

باید از لحاظ قانونی تعامل داشته باشیم. در قم حوزه از نظر معنوی بالاتر است منتها از نظر قانونی چنین نیست .ما تعامل خوبی داریم با سازمان تبلیغات حتی من جلساتی داشتم؛ با رئیس سازمان تبلیغات تهران آقای خاموشی که جزو شورای ماست و انصافاً تعامل خوبی می‌کنند گاهی کمک‌های مالی به ما می‌کنند. تعامل داریم.

**اما در مورد بحث پژوهش که کار نشریه ماست !پژوهش در تهران خیلی ضعیف است. کتابخانه مخصوص و تخصصی طلاب در تهران کم است. بعضی از حوزه‌ها آنقدر کوچک است که جای کتابخانه ندارد! برای تقویت بحث پژوهش در تهران که کار اصلی طلبه‌ها هست چه اقدامی کردید؟**

در روحانیت پژوهش یک امر ذاتی است. در قدیم، در روحانی‌های سنتی‌مان از مرحوم شیخ طوسی گرفته، شیخ مفید، شیخ کلینی، مرحوم علامه، مرحوم محقق و تا آقایان مجلسی‌ها و مرحوم فیض، اینها علمای بزرگی هستند که صاحب تحقیق و پژوهش بودند. شما سطرهای کتابهایی که مرحوم مجلسی نوشته تقسیم بر عمرش بکنید .مرحوم مجلسی در حدود ۲۷یا ۴۷ سال عمر کرده. ۵۱سال اولش را بگذارید کنار بقیه‌اش را تقسیم بر سطرهای کتاب‌هایی که نوشته بکنید. معلوم می‌شود چقدر تحقیق و پژوهش کردند. مخصوصاً بعد از انقلاب اسلامی مسئله پژوهش نمود بیشتری دارد. نهایت حضیض حوزه‌های علمیه در زمان رضا شاه بود. در زمان رضا شاه سالی ۲-۳ تا کتاب در حوزه چاپ می‌شد! از عدد انگشتان دست بیشتر نبود ولی الان بعد از انقلاب اسلامی ما حدود ۰۷-۰۸ مرکز علمی در قم داریم. طبق آمار حوزه قم بالاترین پژوهش‌ها را در ایران دارد حتی در جهان اسلام، شما اگر تشریف برده باشید دانشگاه‌های دیگر کشورها، - من سوریه و مصر رفتم .حدود سه ماه قاهره بودم دانشگاه الازهر مفصل رفت و آمد داشتم- پژوهشی که الان در قم دارد در هیچ جای دنیا ندارد. این خاصیت روحانی شیعه است و این فرهنگ را ما از ائمه اطهار داریم. ائمه اطهار در زمان امام صادق(ع) حدود چهارصد اصل بوسیله شاگردان حضرت که اصول اربعه مائه مشهور است استخراج شد .پژوهش، فرهنگ و ذات اسلام است. اسلام فرهنگش با پژوهش گره خورده است .الان هم در حوزه‌های علمیه مخصوصاً در تهران پژوهش حالت اقتضا را دارد کافی است شما طلاب را تربیت کنید و تذکر بدهید. جایزه به آنها بدهید. زمینه پژوهش را آماده کنید. کتابخانه و رایانه فراهم کنید، این حالت اقتضایش از بین نرفته است. اگراستاد پژوهشی باشد طلاب آمادگی دارند. بستگی به این دارد ما چقدر تلاش بکنیم. الحمدلله معاونت پژوهش ما دارد تلاش می‌کند. مثلاً جشنواره علامه حلی را که راه انداخته بودند چقدر طلبه‌ها مقاله داده بودند .ما مدارسی داریم که حالت اقتضا را به فعلیت درآوردند. مثل مدرسه امام صادق(ع) در دماوندکه توانستند این حالت اقتضا را به فعلیت درآورده و پژوهش زیادی داشته باشند و این کار مشکلی نیست. ما انشاء الله شروع کردیم و ادامه خواهیم داد که در مدارس معاونت پژوهشی داشته باشیم. مشکل ما این است که مسئولین و معاونت‌ها چون کار زیادی دارند به این مسئله نمی‌رسند .انشاءالله با انتخاب معاونین پژوهشی به این کار خواهیم پرداخت و امیدوارم که در سالهای آینده شاهد جهش پژوهشی در مدارس باشیم. الآن روحانیت‌های تهران پژوهش‌های زیادی دارند. حتی در مدارس فعلی ما. مثلاً مدرسه شیخ عبدالحسین ما معاونت پژوهش ندارد ولی ما تا به حال ۵-۶ کتاب در مدرسه چاپ کردیم. اصلاً هیچ آماری وجود ندارد که مدرسه شیخ عبدالحسین چنین کاری کرده است. مدارس دیگر هم همین طور است که اگر آمار بگیریم خیلی بیشتر است. به هر حال یعنی در ذات روحانیت پژوهش وجود دارد.

**ظاهراً منظور شما این است کمیت پژوهش در میان طلاب بسیار است اما به وسیله مسئولین درست جمع آوری نمی‌شود...**

هم جمع‌آوری نمی‌شود هم تشویق نمی‌شود. الآن در قم روی روال عادی افتاده است. در تهران هنوز این روند به حالت عادی بدل نشده است. چاپش مشکل است من چون اهل فن هستم می‌دانم. چاپ و انتشار و پخشش مشکل است. ما مرکز پخش نداریم. در روحانیت کم است. طلبه‌ای یک عمر زحمت کشیده کتاب خوبی نوشته ولی ناشر برای چاپ اذیت می‌کند .کتابی هست بنام اصحاب امام صادق(ع)، من این کتاب را در آثار شهید مطهری دیده بودم که ایشان از آن تعریف کرده بود که نوشته مرحوم آقا میرزا علی محدث‌زاده پسر شیخ عباس قمی. این کتاب خیلی کتاب عالی است اصلاً من از خانواده‌اش گرفتم در بازار پیدا نکردم. هرچی سعی کردم که چاپ بشود، یک موانعی بوجود آمد که نمی‌شود چاپ کرد. اگر ما امکاناتی داشته باشیم که آثار روحانیت را چاپ بکند، آثار خیلی زیادی داریم .این یکی از کتاب‌های مرحوم محدث زاده است؛ خلفایی که در زمان امام صادق(ع (به خلافت رسیدند، علمای زمان امام صادق(ع)، افرادی‌که از امام صادق(ع (حدیث روایت می‌کنند، اینها کتاب‌های پر ارزشی است که چاپ آنها مشکل قانونی دارد. ما اگر بتوانیم راهکارهایی برای چاپ آنها پیدا کنیم آثار بسیار زیادی داریم. آیت الله سید رضی شیرازی دنیایی است برای خودش؛ کتاب ها و آثار ایشان هنوز آن چنان که حق ایشان است معرفی نشده است .من

یک دفعه به کتابخانه امام موسی صدر در بیروت رفتم،گریه‌ام گرفت. اینها کتاب‌خانه را در یک زیر زمین نمور نگه داشته بودند. قفسه کتاب را موریانه خورده بود و تمام این کتاب‌ها سوراخ بود. خود دست خط امام موسی صدر که درس‌های اساتیدش را نوشته بود. من رفتم اینها را استخراج کردم .نسخه خطی عجیبی از سید احمد زنجانی پیدا کردم که گفتند این اصلاً معجزه است. مرحوم آیت الله آقا سید احمد زنجانی پدر آقای شبیری زنجانی از علمای بزرگ قم بود و مورد قبول همه بود. امام تمام نمازهایشان را در مدرسه فیضیه پشت سر ایشان می‌خواند از نظر اخلاقی منحصر به فرد بود. فردی بود که در عمرش دروغ نگفته بود. حالت خاصی داشت. عالم بسیار سطح بالای اخلاقی بود .نمی‌خواهم شرح زندگی ایشان را بیان کنم سخن اینکه من از ایشان یک نسخه خطی پیدا کردم که امام موسی صدر به سبب آشنایی‌اش با آقا سید احمد زنجانی این کتاب را از او گرفته و با خودش به لبنان برده و آنجا مانده است. کتابی نوشته الفقه علی المذاهب خمسه که منحصر به فرد است منظورم این است که اگر انسان بگردد ما آثار بسیار زیادی داریم .الحمدلله امروزه طلبه‌ها هم آمادگی دارند و این پژوهش برای روحانیت شیعه بسیار نکته مثبتی است که ما می‌توانیم ارزش روحانیت و فرهنگ اهل بیت را بوسیله پژوهش‌مان نشان بدهیم

**فکری شده که این پژوهش‌ها در مجامع علمی و بحث‌های علمی کشور تاثیر گذار باشد؟**

اکنون در حوزه علمیه پژوهش‌ها را هر سال دفتر تبلیغات و جاهای دیگر جمع آوری می‌کنند و آثار برجسته را جایزه می‌دهند. این روند از اول کم بوده و الان زیاد شده یا آثاری که در حوزه‌های علمیه و مدرسه روحانیت چاپ می‌شود جمع آوری می‌کنند. من خودم در ۲-۳ تا از این کنگره‌ها جایزه گرفتم

**یعنی طلبه‌ها در این قضیه باید وصل به قم باشند؟ پژوهشی بصورت مستقل در تهران نداریم؟**

بله زود است فعلاً، البته ما در برنامه‌ها داریم که اگر عمری باشد انجام خواهیم داد. بستگی دارد به فعالیت آقای سماوات

**در این دو سالی که مرکز مدیریت تشکیل شده به نظر شما با قبلش که نبود در حوزه‌ها تفاوتی رخ داده است؟به نظر شما مدیران و طلاب احساس رضایت می‌کنند یا نه؟**

همه انتقاد می‌کنند که پلیس امنیت ایجاد نمی‌کند، پزشکان آن طور که باید و شاید کار نمی‌کنند. من می‌گویم از آنطرف بگوییم. اگر پلیس نباشد چه می‌شود؟ اگر دکترها نبودند چه می‌شد؟ اگر شورای مدیریت و مرکز مدیریت در این دو سال نبود چه می‌شد؟ مدارس از یک حالت بلاتکلیفی درآمدند. یک سازمان‌دهی را احساس می‌کنند که خود یک مرحله‌ای است. که خودشان را وابسته به اینجا می‌دانند و مشکلاتشان را دارند حل می‌کنند .اگر کمک‌های شورای عالی نباشد مدارس لنگ خواهند بود. کمک به کارکنان مدارس هست و موارد بسیار دیگر که شما اگر اینها را منها کنید چیزی باقی نمی‌ماند فلذا از آن طرف سوال را مطرح کنید که اگر در این دو سال مرکز مدیریت نبود آیا هیچ خلائی احساس نمی‌شد؟ الان ما با کل مدیران در ارتباط هستیم مشکلاتشان را با ما مطرح می‌کنند .مشکلات و نواقص اینها را حل می‌کنیم. ما هم با دیگر ارگان‌ها تعامل داریم و هم در تعامل با خود مدارس هستیم، این روند شروع شده است. سابقاً هر کس برای خودش سازی می‌زد. الان می‌دانند که سازمانی هست و باید به آن مراجعه کنند. نسبت به اساتیدمان از نظر اخلاقی حساسیت داریم همچنین نسبت به طلبه‌ها حساسیت داریم. به مدیران تذکر می‌دهیم که فلان طلبه یا استادتان چگونه‌اند؟ یا نسبت به حضور و غیاب حساسیت داریم. اینها چیزهایی است که در زمان کوتاه قابل تحقق نیست و زمان می‌خواهد و امیدوارم که در آینده شاهد این تحقق مفاهیم باشیم.

**به نظر می‌رسد بیشتر تلاش شما معطوف به جنبه سخت‌افزاری است گرچه فرمودید در مورد اخلاق و تهذیب و ... هم در فکر هستید؟**

بله! ما جنبه سخت افزاری هم داریم مثل کمک به ساختمان مدارس. الان حوزه شورای عالی بازسازی حوزه‌های قدیمی را در برنامه دارد. هر نهادی در اول تاسیسش باید سخت افزاری باشد و نمی‌تواند صد در صد نرم‌افزاری باشد. ما نسبت به اخلاق طلبه‌ها حساسیم .ما نسبت به پذیرش مدارس حساس شدیم. فرض کنید که مدرسه‌ای هست که 9 تا اتاق داشت. ۰۷۲ طلبه قبول کرده بود. طلبه در این محیط بد اخلاق بار می‌آید. جای درس خواندن نیست. امتحانش چگونه است؟ کلاس درس چطور است؟ ما با اینها وارد تعامل شدیم سطح آمار اینها را آوردیم پائین. دقت داریم که استاد اخلاق در این مدارس حضور پیدا کند .ما با مدیریت مصلی صحبت کردیم و آنها قبول کردند که ماهانه یک کلاس اخلاق برای طلاب خواهر و برادر تشکیل بدهیم. این برای شهر تهران هم خیلی برکت است ولی مهم این است که راه بیافتد و شروع به حرکت کند. ولی آنها اعلام کردند در اردیبهشت ماه نمایشگاه داریم و نمی‌توانیم برگزار کنیم .یا سالنی که ما می‌خواهیم حداقل پنج هزار نفر گنجایش داشته باشد و ما غیر مصلا جای دیگری را نداریم. هیچ حوزه‌ای نداریم که الان سالن بزرگی داشته باشد. الان در کارهای اجرایی قضیه هستیم که از اساتید هم وعده گرفتیم. ما خدمت آقای جوادی آملی و بقیه مراجع رسیدیم از آنها وعده گرفتیم. حتماً برگزار می‌کنیم و اقدام خوبی خواهد بود. من عقیده‌ام این است که حتی دانشجوها هم استقبال می‌کنند.

**موضوع این شماره نشریه ما »شروع« است در مورد شروع طلبگی خودتان و اوایل طلبگی‌تان صحبت کنید ...**

بهتر است به جای این سوال قواعد کلی طلبگی را خدمتتان بگویم. ما در روحانیت تشیع موقعی که طلبه می‌آید درس بخواند به اضافه تعهد و ایمان است و این در تمام دنیا منحصر به فرد است حتی نسبت به کشورهای اسلامی. گر چه آنها هم احساس مسئولیت دارند ولی این احساس مسئولیتی که در روحانیت شیعه هست در هیچ جای دیگر وجود ندارد. من در مدرسه حجتیه درس می‌خواندم .آنجا لوله‌کشی آب نداشت و افرادی که نماز شب می‌خواندند فوق‌العاده بود من خودم اهل نماز شب نبودم ولی افرادی که نماز شب را در مسجد می‌خواندند مسجد پر می‌شد. این معنویت کمک می‌کرد سطح درسی آنها بالاتر برود. یعنی طلبه از خود می پرسد اگر من کم درس بخوانم وقتی شهریه می‌گیرم آیا حلال است از این شهریه استفاده کنم یا نه؟ در روحانیت تشیع این معنویت با علم گره خورده است .این بهترین عامل ترقی روحانیت است باید بتوانیم این را حفظ کنیم که طلبه یعنی مجسمه دین و اخلاق به علاوه تدرس و تعلم .ما باید بتوانیم این را جا بیاندازیم که بزرگان ما این جور بار آمده‌اند. مرحوم فیض کاشانی، مرحوم آیت‌الله خوئی و یا خود امام را ببینید. مکاسب شیخ انصاری ۰۵۱ سال است در حوزه‌ها حاکم است. زندگی او چگونه بوده است. توام با معنویت بود حالا کاری به قناعت ندارم ولی معنویت که داشت .قناعت شیخ جزو ضرب‌المثل‌هاست. البته وظایف فرق می‌کند پول معیار نیست ممکن است یک روحانی پول داشته باشد ولی آن تدینش با تعلمش گره خورده باشد. گره خوردن دین با سواد. ما این را در اکثر روحانیت داریم. آشتیانی‌ها در تهران خانواده بزرگی بودند. خانواده مرحوم فلسفی، مرحوم آقای فلسفی، برادرش آقای حاج میرزا علی و برادر بزرگشان آقای میرزا ابوالقاسم تنکابنی، پدر این‌ها شیخ محمد رضا تنکابنی یک خانواده بزرگی بودند .اصلاً علم در خانواده اینها بود. مرحوم آقای شیخ تقی آملی از علمای تهران بود. آقای سید احمد خوانساری در بازار راه می‌رفت مردم می‌ایستادند نگاه می‌کردند. می‌گفتند ایشان در مسجد در کنار حوض می‌خواستند وضو بگیرند همه ایستاده بودند نگاه می‌کردند. مردم به چشم معصوم به این‌ها نگاه می‌کردند که چطور وضو می‌گیرد .این معنویت که درحوزه‌ها وجود داشت اگر تداوم داشته باشد، حوزه‌های ما تحت تاثیر فرهنگ غربی و تشریفات زائد قرار نمی‌گیرد. درست است که چهار پایه‌ها تبدیل به میز و صندلی شده ولی باید مراقب باشیم فرهنگ غرب وارد اینها نشده باشد. نمی‌گویم همان حجره‌های ساده باشد .من یادم است در مدرسه حجتیه بودیم زیر کرسی می‌خوابیدیم. شب کاسه گذاشته بودیم روی کرسی کاسه یخ زده بود! الان نمی‌شود اینطور زندگی کرد. الان شوفاژ و وسائل دیگر هست ولی نباید کنارش فرهنگ خاص خودش را بیاورد. ما باید فرهنگ اسلام را به همراه آن داخل حجره‌ها ببریم. اگر ما این را داشته باشیم هیچ مشکلی نداریم ولی آن جنگ نرم غربی‌ها درست است که جامعه ایران و تشیع را نشانه گرفته ولی دارد دامن جوان‌های طلبه ما را هم می‌گیرد. ما باید مواظب باشیم.

**با توجه به اینکه چند سالی در دانشگاه تهران حضور داشتید برخی طلاب دغدغه دارند که آیا صلاح است به دانشگاه بروند و ادامه تحصیل بدهند یا نه؟**

دانشگاه رفتن گاهی واجب، گاهی مستحب و گاهی مکروه و گاهی هم حرام است. طلبه که قصد دارد به دانشگاه برود فکر کند برای چه به دانشگاه می‌رود. اگر برای زندگی‌اش می‌رود مکروه است، اگر برای فرهنگش می‌رود حرام است، اگر برای تبلیغ می‌رود یا مستحب است یا واجب، اگر می‌خواهند تحت تاثیر قرار بگیرد حرام است .هرکسی هم نباید برود دانشگاه همان طور که هرکسی نباید امام جماعت بشود هرکسی نباید منبر برود، یک شئوناتی می‌خواهد. مرحوم فلسفی می‌گوید کسی که مطالعه نمی‌کند منبر نباید برود .در دانشگاه هم خصوصیاتی می‌خواهد من مدیر گروه بودم نوع پوشش اساتید روحانی خیلی مهم است. تذکر می‌دادم در الفاظشان دقت کنند با جوانان باید با زبان خودشان صحبت کرد ما باید راه را نشانشان بدهیم .مخصوصاً در دانشگاه‌های سطح بالا مانند دانشگاه پزشکی تهران جزو نوابغ هستند که در آنجا قبول می شوند.